ایرانشهر
شهروند
۴
یکشنبه ۲۸ مرداد ۱۳۹۷ | سال ششم | شماره ۱۴۷۹
www.shahrvand-newspaper.ir

تحقیقات نشان می‌دهد که خستگی راننده یکی از عوامل مؤثر در بیش از ۲۰ درصد تصادفات جاده‌ای و بیش از یک چهارم تصادفات کشنده و جدی است.

داروی «وارفارین» در داروخانه‌هلال‌احمر موجوداست

شهروند| مدیر داروخانه مرکزی هلال احمر از وجود داروی وارفارین در داروخانه هلال احمر خبر داد. بر اساس اعلام رافعی، این دارو در حال حاضر در داروخانه هلال احمر تامین شده است.

وارفارین داروی ضدانعقاد است که برای پیشگیری از لخته شدن خون استفاده می‌شود. به این دارو رقیق کننده خون هم گفته می‌شود و معمولا بیماران قلبی که دریچه قلبشان تعویض شده یا اختلال در ریتم قلب دارند از این دارو استفاده می‌کنند.

قصه آدم‌ها

شما هم برای ما بنویسید
Elnaz.2714@gmail.com

زهرکشنده خیانت

از کودکی خنده‌های محو مادر و چهره خسته پدر را به یاد دارد؛ خاطراتی بسیار دور که با زلزله‌ای به پایان می‌رسند و تنها باقی‌مانده آنها چهره خاک‌گرفته نوزادی است که حتی توان گریه کردن هم ندارد. خاک‌ها روی هم تلنبار شده‌اند تا ترس لرزش‌های وحشتناک ساعت‌ها پیش را مخفی کنند. از خانواده‌ای ۶نفره تنها نوزادی زنده مانده و با میک‌زدن انگشتش تلاش را برای بودن نشان می‌دهد. سگ‌های زنده‌یاب از زیر آوار پیدایش می‌کنند و بعد از مدت‌ها خانواده‌ای جدید «سیما» را در آغوش می‌کشد؛ چون تنها صورتش از خاک بیرون بوده، «سیما» می‌نامنش. در دوران دانشجویی از قصه زلزله رودبار و گره‌خوردنش با سرنوشتش باخبر می‌شود. در رشته حسابداری تحصیل می‌کرد که دل به یکی از هم‌دانشگاهی‌هایش می‌دهد و زندگی مشترکش را شروع می‌کند. زندگی‌ای که سال‌های نخست رویایی و شیرین پیش می‌رود تا در سال چهارم خود تلخی‌هایش را رو کند. قصه جدایی «سیما» شاید مثل بسیاری از زنان به خیانت ختم می‌شود، در حالی که «سیما» قماربازی و اعتیاد همسر را نادیده می‌گرفت تا زندگی زناشویی‌اش از هم نپاشد. بارها به اجبار و گاهی به مهربانی همسرش را راهی کمپ‌های ترک اعتیاد کرد و دل به این امید بست که پاک همچون روزهای آشنایی‌اش از کمپ بیرون بیاید و زندگی‌شان رنگ‌وبوی خوشبختی آن روزها را بگیرد، اما این امید تنها یکی، دو ماه دوام می‌آورد و دوباره شب دیر آمدن‌ها و فحاشی‌ها از سر گرفته می‌شد. به مرور زمان از سر کار رفتن هم خبری نبود و تنها درآمد «سیما» زخمی می‌شد برای دردهای زندگی اگرچه پول مواد و قماربازی همسرش هم گوشه‌ای از مخارج زندگی مشترکشان بود. آتش قماربازی به جان زندگی‌شان افتاده بود و از جهیزیه کامل روزهای نخست زندگی دیگر خبری نبود، چون روزی مبل‌ها خرج باختش می‌شدند و روزی دیگر جای خالی تلویزیون و فرش‌ها به چشم می‌خورد، البته قرض گرفتن از دوست و آشنا هم دردسر دیگری بود که «سیما» نمی‌توانست برای آن راه‌حلی بیابد. مشکلات روزبه‌روز بیشتر می‌شدند و حواس پرتی سر کار هربار بیشتر تکرار می‌شد. اما دیدن زنی در خانه‌اش به او ثابت کرد که تنها با صبر کردن چیزی درست نمی‌شود و دردی از زخم‌های زندگی مشترکش دوا نمی‌کند. ابتدای آشنایی هر دو جزو معدل بالاهای دانشگاه بودند، اما همسرش همیشه نفر نخست رشته حسابداری دانشکده بود؛ پسری تیزهوش و درس‌خوان که اگر کنارش سیگار می‌کشیدند، حالش بد می‌شد و همین ویژگی‌ها در کنار مسئولیت‌پذیری و مهربانی از او گزینه مناسبی برای ازدواج ساخته بود؛ ویژگی‌هایی که تنهاسه، چهار سال در زندگی مشترک دوام آوردند و شرایط از او آدم دیگری ساخت؛ مردی که کاملا برای «سیما» غریبه بود. معدل بالای «ساسان» باعث شد در یک شرکت بزرگ بازرگانی مشغول به کار شود و خیلی زود به درآمد بالا برسد؛ روزهایی که این درآمد برای خرید هدیه برای «سیما»، جشن‌های کوچک دو نفره و وسایل برای زندگی خرج می‌شدند و بخشی از آن هم کمک‌هزینه‌ای می‌شد برای زندگی پدر و مادر «ساسان»، اما کم‌کم این درآمد باعث شد افرادی دوروبر «سامان» را بگیرند که هیچ سنخیتی با او نداشتند و به مرور او را وارد دنیایی کردند که کاملا با آن غریبه بود، اما تفنن و سرگرمی هرازگاهی که گاهی با شیرینی برد آمیخته می‌شد و زمانی با تلخی باخت، هر شب بهانه‌ای می‌شد برای سست شدن و بالاخره فروریختن زندگی مشترکش.

گفت‌وگوی «شهروند» با توریست‌های عراقی درباره دلایل افزایش سفرشان به ایران

در جست‌وجوی هوای خوب جراحی زیبایی و قورمه‌سبزی

- سرکنسولگری ایران در سلیمانیه می‌گوید که صدور روادید برای شهروندان کُرد عراقی چهار برابر شده است
- مدیر یکی از پانسیون‌ها در مرکز شهر در گفت‌وگو با «شهروند»: بیشتر عراقی‌ها برای کاشت مو و جراحی بینی به ایران می‌آیند، بعضی هم برای تفریح

زهرا جعفرزاده| آقای براقچی از پشت کانتر چوبی پانسیون، درست زیر تابلویی که چهار ساعت به وقت ایران، بغداد، سئول و لندن ردیف شده‌اند، دست‌هایش را در هم گره کرده و می‌گوید آنهایی که برای درمان می‌آیند، معمولا یا دنبال کاشت مو هستند یا جراحی بینی و نگاهی به ساعت می‌اندازد: «چند دقیقه دیگر از راه می‌رسند. رفته‌اند گردش.» ساعت از هشت شب پنجشنبه گذشته و یکی‌یکی از راه می‌رسند، زنان عراقی با شال‌های رنگی که دور سرشان پیچ خورده و مانتوهای بلند و مردان با بلوزهای بلند و صورت‌های آفتاب‌سوخته. تیرماه که از راه می‌رسد، توریست‌های عراقی ساک‌هایشان را می‌بندند و راهی تهران می‌شوند؛ فرودگاه امام خمینی (ره) مقصدشان است؛ قیمت بلیت از یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان شروع می‌شود و به دو میلیون تومان هم می‌رسد، اما برای آنها که با دلار وارد ایران می‌شوند، گران نیست.

درهای اتوماتیک باز می‌شود و خانواده «ابوحسین» وارد می‌شوند، زن، مرد و دو فرزند؛ حسین و سارا.

آقای براقچی می‌گوید اینجا میهمان زیاد داریم؛ عراقی، مصری، چینی، اما بیشترشان عربند و عراقی. شاید ۱۰ درصد مشتریان ما ایرانی باشند که از شهرهای دیگر آمده‌اند: «تابستان که می‌شود، عراقی‌ها به ایران می‌آیند، اینجا برایشان خوش آب و هواتر است.» آمارها هم بر این موضوع صحه می‌گذارد؛ وقتی سرکنسولگری ایران در سلیمانیه می‌گوید که صدور روادید برای شهروندان کُرد عراقی چهار برابر شده است، آن هم فقط در مرداد امسال، یعنی نزدیک به ۲۸۰۰ ویزا در روز. کاهش ارزش ریال در مقابل دلار، یکی از دلایل افزایش مسافرت عراقی‌ها به ایران است که کُردهای عراق را هم شامل می‌شود.

تفریح تنها هدف سفر توریست‌های عراقی به ایران نیست؛ بخشی از آنها برای درمان می‌آیند. آقای براقچی می‌گوید: «مسافران عراقی دو، سه روز اینجا اقامت می‌کنند، چند روزی می‌روند شمال و وقتی برمی‌گردند به قم و مشهد می‌روند. یک وقت‌هایی از تهران به کشورشان برمی‌گردند و یک‌وقت‌هایی از مشهد. مشهد پرواز مستقیم به بغداد دارد.»

تاکسی‌های فرودگاه، آدرس پانسیون‌ها و هتل‌هایی که آنها را پذیرش می‌کنند را دارند. راننده‌ها آنها را می‌آورند: «برخی از هتل‌ها عراقی‌ها را قبول نمی‌کنند، ما ولی مشکلی نداریم.» توریست‌های عراقی آدرس و شماره تلفن زیاد دارند؛ از اقوام و همسایه‌ها و هم‌محلی‌هایشان گرفته‌اند و از جاهای دیدنی تهران و شمال زیاد شنیده‌اند و دست پر می‌آیند، با جیب‌هایی پر از دلار: «وضعشان خوب است، حالا هم با پایین رفتن ارزش پولمان، قدرت خرید آنها بیشتر شده، قبلا ۱۰۰ دلار می‌دادند، یک شب می‌ماندند، حالا با همان دلارها، سه شب می‌مانند.»

اقامت در این پانسیون براساس تعرفه اتحادیه از ۱۲۰ هزار تومان شروع می‌شود و به ۶۰۰ هزار تومان هم می‌رسد: «همه‌جور آدمی این جا می‌آید، از دکتر و مهندس تا کارگر؛ از باسواد تا بی‌سواد. از همه قشر میهمان داریم.» آقای براقچی می‌گوید عراقی‌هایی که پی دکتر به ایران می‌آیند، معمولا یا می‌خواهند کاشت مو انجام دهند یا جراحی بینی: «به دکترها خوب پول می‌دهند، دلار هم زیاد می‌آورند با خودشان.»

> «ام حسین»؛ زن عراقی، در گفت‌وگو با «شهروند»: ایران کشور زیبایی است، مردم رفتار خوبی با ما دارند
>
> •••
>
> پسر عراقی: ایرانی‌ها وقتی در محرم به کربلا و نجف می‌آیند، ما در خانه‌هایمان را برایشان باز می‌کنیم، در خیابان برایشان غذا می‌پزیم
>
> •••
>
> زن عراقی: عمل بینی اینجا چقدر می‌شود؟

«ام حسین»، درِ آسانسور را گرفته تا به طبقه سوم که اتاقشان است، برود، سارا و حسین دو فرزندش هم کنارش ایستاده‌اند. همسرش زودتر طبقات را بالا می‌رود. به تازگی از پل طبیعت برگشته‌اند و چشم‌هایشان برق دارد: «ایران خیلی قشنگ است.» یک هفته از اقامتشان در تهران می‌گذرد، چند روزی رامسر بودند، قبلش هم سری به قزوین زده‌اند و فردایش قرار است با قطار به مشهد بروند: «ایرانی‌ها با ما خیلی خوب هستند. وقتی هم خودشان برای زیارت می‌آیند کربلا و نجف، ما خیلی خوب با آنها برخورد می‌کنیم، درِ خانه‌هایمان را به رویشان باز می‌کنیم، در خیابان برایشان غذا می‌پزیم. هیچ پولی هم از شان نمی‌گیریم.» منظورش دهه محرم و اربعین است. آنها مترجم ندارند و با فارسی دست‌وپاشکسته‌ای، با راننده و هتلدار و... صحبت می‌کنند، خطابشان با مردم اما به همان زبان عربی است. روز قبلش دربند بودند و یک منطقه کوهستانی که اسم‌اش را نمی‌دانند. با اینکه پولشان و دلارهایی که با خود دارند، ارزش بالاتری از ریال دارد، اما باز هم می‌گویند که قیمت‌ها خیلی پایین نیست: «در رامسر، سه شب ماندیم، یک‌بار ۲۰۰ هزار تومان از ما گرفتند، یک‌بار ۳۰۰ هزار تومان و یک‌بار ۱۵۰ هزار تومان. ماشینی که همراه ما بود، هم روزی ۲۰۰ هزار تومان پول می‌گرفت، ۱۰۰ دلار که تبدیل می‌کنیم، خیلی سریع تمام می‌شود.» آنها درباره ایران زیاد شنیده‌اند، آشنایی در کشور همسایه ندارند اما از تعریف هم‌محلی‌ها و اقوام، راه ایران را در پیش گرفتند و می‌گویند که سفر به ایران برایشان ارزان‌تر از سفر به کشورهای دیگر مثل ترکیه است. آنها چند روز دیگر از مشهد به بغداد پرواز دارند: «به ما گفته‌اند بلیت هواپیما ۸۰ دلار می‌شود.» سارا، دختر جوان خانواده، معلم است، سراغ رستورانی می‌گردد تا قورمه‌سبزی بخورد: «به ما گفته‌اند قورمه‌سبزی خیلی خوشمزه است اما هرجا رفتیم، پیدا نکردیم.» حسین که مهندس است، دنبال پارک آبی است: «می‌گویند تهران قشنگ‌ترین پارک آبی را دارد.» اسم‌اش را نمی‌داند.

آقای براقچی هیچ تلاشی برای ارتباط گرفتن با مسافرانش نمی‌کند اما چند پیشنهاد برای رستوران و پارک آبی می‌دهد.

توریست‌های عراقی تنها برای کاشت مو و جراحی بینی و گشت‌وگذار در شهرهای شمالی به ایران نمی‌آیند، گروهی هم هستند که برای درمان پیشرفته، ساک‌هایشان را می‌بندند و به تهران می‌آیند. آقای براقچی می‌گوید آنهایی که برای درمان سرطان می‌آیند، معمولا هتل نمی‌گیرند، چون هزینه‌هایشان خیلی بالا می‌رود؛ آنها عمدتا خانه‌های آماده می‌گیرند، چون حداقل باید یک‌سال ایران بمانند. خانواده «عمر» همین شرایط را دارند، خانواده چهارنفره‌ای که پسر ۱۲ ساله‌شان سرطان خون دارد و دخترشان ناشنواست. آنها پیش از این برای درمان به لبنان رفته‌اند، اما آن‌جا دوز شیمی‌درمانی آن‌قدر بالا بود که قلب کودک با مشکل مواجه شد و درنهایت باعث شد تا آنها سر از ایران دربیاورند. خانه‌شان را هم نزدیک بیمارستان شریعتی گرفته‌اند: «این‌جا چند جلسه شیمی‌درمانی انجام دادیم، می‌خواستیم پیوند مغز استخوان انجام دهیم که نمونه مناسب پیدا نکردیم.» آنها از برخورد پزشکان در ایران خیلی راضی‌اند، حتی می‌گویند که پزشکان بیمارستان، خیلی با آنها همدردی می‌کنند، درحالی که در لبنان این برخورد را ندیده‌اند. خانواده عمر، برای انجام کارهای درمان، مترجم گرفتند اما مترجم از زبان بلندنبودن آنها سوءاستفاده کرد و نزدیک ۵میلیون تومان پولشان را گرفت و پس نداد: «چون زبان نمی‌دانیم، بعضی وقت‌ها از ما پول بیشتری می‌گیرند.» مثل راننده تاکسی که از فرودگاه امام خمینی (ره) تا مرکز شهر از آنها ۱۵۰ هزار تومان کرایه گرفت.

روند مسافرت توریست‌های عراقی به ایران از تیر و مرداد شروع می‌شود و تا محرم و بازشدن مدرسه‌ها ادامه دارد. آقای براقچی می‌گوید محرم که می‌شود، عراقی‌ها برمی‌گردند کشورشان. تعدادشان در ایران خیلی کم می‌شود، مگر اینکه، درمانی داشته باشند.

عکس نوشت

فروپاشی هتل «جهان» اصفهان

هتل «آمریک»، هتل «فردوسی» و هتل «جهان» سه نام این بنای قدیمی در ادوار مختلفند. هتل جهان، یکی از نخستین هتل‌های مدرن اصفهان در بدنه غربی چهارباغ واقع شده است. این هتل دارای ۴۴ اتاق در مجموع داشته و در دهه ۶۰ به خوابگاه پسران دانشگاه هنر تبدیل شد و سپس به فراموشی رفت. هتل جهان به دلیل بی‌توجهی مسئولان درحال فروریختن کامل است.

عکس‌ها: ایرنا